

تأملی ریشه‌ای
در بی‌عملی ماروح‌الله فردوسی
روزنامه‌نگار

آتش که به جان جنگل‌های هیرکانی و البیت مازندران افتاد، بار دیگر نه‌فقط تنه‌های بلوط و راش، که ستون اعتماد عمومی را سوزاند. این فاجعه همچون تکرار کابوسی آشنا، پرده‌ای دیگر از نمایش مزمن بی‌مسئولیتی، نبود آینده‌نگری و ناتوانی ساختاری ما در مواجهه با بحران را آشکار کرد؛ نمایش تلخی که سال‌هاست از سیل و زلزله تا ریزگرد و خشکسالی تکرار می‌شود. هر سال همین داستان، هر فصل همین درد و هر بار همین پرسش بی‌پاسخ که چرا ما فقط وقتی خاستگر همه‌جا را گرفته، به خود می‌آییم؟ اما پرسش اساسی این است که چرا بحران در ایران «فقط» هنگامی جدی گرفته می‌شود که فاجعه بالفعل شده است؟ و چرا پس از هر فاجعه، همان دور باطل واکنش‌های دیرنگام، جلسات بی‌حاصل و فراموشی جمعی تکرار می‌شود؟ ما در برابر طبیعت، نه با کمبود امکانات، بلکه بیش از هر چیز با کمبود فهم مواجهیم؛ فهمی از نوع اجتماعی، فرهنگی و نهادی که فقدان آن ما را دائماً در موقعیت انفعالی و اضطراری نگه می‌دارد. در جامعه‌ای که بحران‌ها تکرار می‌شوند، مسئله هرگز فقط بحران نیست؛ مسئله «ساختار ادراک» بحران است. ما سال‌هاست که بحران را به مثابه «رویدادی ناگهانی» می‌فهمیم، نه «فرآیندی قابل مدیریت». آتش‌سوزی جنگل‌های البیت و دیگر جنگل‌ها نتیجه سال‌ها بی‌توجهی به خشکیدگی زیست‌بوم، فقدان آموزش محلی، نبود تجهیزات، مدیریت جزیره‌ای سازمان‌ها و نبود نقشه جامع اکولوژیک است؛ اما ما این سلسله‌عوامل را نمی‌بینیم. به‌جای آن، بحران را به حادثه‌ای دفاعی فرو می‌کاهیم. در فهم فرآیندی آن غافل می‌مانیم. وقتی بحران درست فهم نمی‌شود، طبیعی است که شناخت علل واقعی هم صورت نگیرد. بنابراین پس از هر حادثه، مسئولان در ارائه علل دچار تردید، تناقض و ابهام می‌شوند؛ گویی مهم‌تر از پیشگیری و اصلاح، یافتن «روایت مناسب» برای افکار عمومی است. در همین جا نخستین ترک بزرگ ساختاری رخ می‌دهد؛ به این مفهوم که وقتی بحران به «مسئله» بدل نمی‌شود، راه حل نیز به «تصمیم» بدل نمی‌گردد و همین فقدان تصمیم‌سازی، سال‌هاست ما را در تکرار مستمر خطاها گرفتار کرده است. فرهنگ مدیریت کوتاه‌مدت ما دچار مشکل است. تصمیم‌ها در کشور ما معمولاً برای «اسرور بعد» گرفته می‌شوند، نه برای «۱۰ سال بعد». این نگاه کوتاه‌نگر باعث شده است تا مدیریت بحران، هرگز به مدیریت ریسک تبدیل نشود. جنگل تا وقتی می‌سوزد، مهم می‌شود؛ پس از خاموشی، همه‌چیز به روال قبل بازمی‌گردد و هیچ یادگیری جمعی شکل نمی‌گیرد. فقدان نهاد مستقل و پاسخگو، چالش بعدی ماست. در کشورهای توسعه‌یافته، مدیریت بحران نهادی واحد، علمی و مستقل است؛ در ایران اما این مهم، میان چند سازمان پراکنده، بدون هماهنگی، با ساختار اداری فرسوده و فاقد قدرت اجرایی تقسیم شده است. نتیجه آن می‌شود که هیچ‌کس پاسخگو نیست و در عین حال همه‌کس مسئول هستند؛ یعنی مسئولیت بی‌صاحب می‌ماند. غیبت فرهنگ ارزیابی و یادگیری جمعی، از دیگر عللی است که گرفتار آن هستیم. به‌طوری‌که پس از هر بحران، گزارش ملی، نقشه راه و دستورالعمل اصلاحی منتشر نمی‌شود. ما نه یادداشت می‌نویسیم، نه جمع‌بندی می‌کنیم و نه درس می‌گیریم. بحران‌ها می‌آیند، می‌سوزند، می‌گذرند و فراموش می‌شوند؛ اما ساختار همان است که بود. انظر فدیگر، حذف مردم از فرآیند مدیریت بحران چالشی است که نباید نادیده گرفته شود. هیچ تحول پایداری بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست. اما نهادهای رسمی همچنان شهروند را «تماشاگر» می‌بینند، نه «کنشگر». ریشه بحران‌ها در «طرز فکر» ما هم هست. جامعه‌ای که ارزش منابع طبیعی را فقط زمانی می‌بیند که دود آن به چشم‌اش می‌رود، و سیاستی که حفظ جنگل را «هزینه» می‌داند، نه «سرمایه»؛ ناگزیر در چرخه تکرار فاجعه خواهد ماند. جنگل برای ما، نه میراث است، نه هویت؛ یک امکان فرعی است که گاهی حاشیه خبرها را می‌گیرد. در سطحی ژرف‌تر، ما فقدان راه حل را باید در فلسفه ضمنی مدیریت‌مان جست‌وجو کنیم؛ مدیریت در ایران عمدتاً «توجیه‌کننده» است، نه «راه حل‌دهنده و حل‌کننده». بحران باید توضیح داده شود، نه اینکه صرفاً مهار شود. گزارش‌ها باید اصلاح‌گر باشند، نه اینکه صرفاً آرام‌بخش باشند. تا زمانی که چنین ذهنیتی حاکم باشد، راه‌حلی به‌عنوان یک کنش عملی شکل نمی‌گیرد و فقط تکرار و تأخیر نصیب ما خواهد شد. اما امید هنوز در میان دود یابرجاست؛ هر جانشان می‌تواند اشتباه کند، می‌تواند اصلاح هم بکند؛ به‌شرط آنکه بحران را نه «حادثه»، که به‌عنوان «پیام» بفهمیم. پیامی که از میان جنگل‌های سوخته هیرکانی به‌ما می‌گوید اگر تغییر نکنید و مسائل را نفهمید، باز هم خواهید سوخت. این جمله نه هشدار، بلکه دعوتی است به آغاز مسیر تازه‌ای که شاید اگر امروز فهمیده شود، فردا از تکرار درد جلوگیری کند.

عکس: تامپسون جانی/ایرنا

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



دییورت آمریکایی

بررسی چالش اخیر فوتبال ایران
برای حضور در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی

سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶، در کشور آمریکا برگزار می‌شود اما طبق انتظار، روایت برخی مقامات فوتبال ایران برای حضور در این مراسم صادر نشد. مهدی تاج و مهدی محمدینی از مقامات ارشد فدراسیون فوتبال ایران که برای حضور در این مراسم در خواست صدور ویزا کرده بودند، با رد این درخواست روبه‌رو شدند تا پیش از شروع این رقابت‌ها، اولین چالش فدراسیون فوتبال را شاهد باشیم. گفتنی است ویزای امیر قلعن‌نوبی و چند مقام دیگر از روابط بین‌الملل فدراسیون فوتبال صادر شد، اما به دلیل کارشکنی‌های پیاپی در این زمینه، ایران نماینده‌ای در روز قرعه‌کشی نخواهد داشت. در این گزارش قصد داریم از تکرار کارشکنی‌های دولت آمریکا و دخالت سیاسی در امر ورزش بنویسیم.

▼ پای قانون ترامپ در میان است

دولت ترامپ در دوره اخیر ریاست جمهوری، قانونی را تصویب کرد که مشخص بود قرار است چالش زیادی برای ورزشکاران ایرانی به‌وجود بیاورد. ماجرا از این قرار است که برای تعدادی از کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران، محدودیت‌هایی برای صدور ویزا اعمال کرد. در آن قانون مربوطه، عنوان شده که آمریکا نباید به شهروندان این کشور ویزا بدهد. البته از آنجا که این کشور، هم یکی از سه میزبان جام جهانی است، هم قرار است میزبان بازی‌های المپیک باشد، بندی گنجانده شده که چنین محدودیت‌هایی شامل حال ورزشکاران، خانواده‌های آن‌ها و مسئولان فدراسیون‌های مربوطه نخواهد شد. به همین دلیل تصور می‌شد این قانون برای ورزشکاران و مسئولان فوتبال ایران صدق نکند و بدون هیچ مشکلی راهی آمریکا و مراسم قرعه‌کشی شوند. تاج، نایب‌رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیاست و عضوی از کمیته برگزاری مسابقات فیفا. به این ترتیب مرور همین سمت‌ها، عدم صدور ویزا برای او را عجیب‌تر می‌کند؛ آن قدر عجیب که ظاهراً توصیه و فشار فیفا به مسئولان برگزارکننده جام جهانی در آمریکا هم نتوانسته محدودیت‌های اعمال شده برای رئیس فدراسیون فوتبال ایران را تعدیل و برطرف کند. اینفانتینو، رئیس فیفا، در حتمن تیم ملی ایران در جام کافا قول داده بود که هیچ مشکلی برای کاروان ایران در جهت کسب روایت رخ نمی‌دهد و فیفا در کنار ایران خواهد ایستاد. حتی رئیس فدراسیون فوتبال آمریکا نیز چنین موضوعی را تأیید و به فوتبال ایران جهت حضور در جام جهانی تبریک گفته بود. اما حالا مشخص شده که قدرت سیاست بیش از هر مسئله‌ای دیگری است و عملاً دولت ترامپ با کارشکنی در این زمینه، حضور مسئولان فوتبال ایران در مراسم قرعه‌کشی را زیر سوال برد و رد کرد. این اتفاق در حالی رخ داده که ظاهراً صادرنشدن ویزای مهدی تاج، به محل خدمت سربازی او در دوران جوانی برمی‌گردد. چنین اتفاقی نشان می‌دهد که دولت آمریکا هیچ توجهی به جایگاه حقوقی افراد در کنفدراسیون فوتبال آسیا ندارد و قرار است بیش از پیش، کشورهای تحت تحریم آذیت شوند.

▼ موارد مشابه

در تیرماه ۱۴۰۲ و پیش از شروع لیگ ملت‌های والیبال که مشخص شد آمریکا میزبان هفته سوم است، مسئولان فدراسیون والیبال دغدغه این را داشتند که این کشور برای صدور ویزا، بازیکنان را آذیت کند. به همین دلیل راینی‌ها انجام شد تا خللی در صدور ویزای تمام بازیکنان تیم ملی ایران ایجاد نشود. در نهایت فدراسیون والیبال پس از انتشار خبری مبنی بر آنکه تلاش محمدرضا داوورنی، رئیس فدراسیون والیبال جواب داده، خبر داد که اعضای تیم ملی برای گرفتن ویزای آمریکا راهی ترکیه می‌شوند. بر خلاف خبر منتشرشده، در همان روزهای نخست مشخص شد که دولت آمریکا قصد دارد با بررسی بیشتر پرونده بازیکنان ایران، روند صدور ویزا را بیشتر بررسی کند. بعد از ۱۲ روز مشخص شد، سفارت آمریکا به دو بازیکن اصلی ایران که سربازی

آنها در یکی از نهادهای نظامی بوده، ویزا نمی‌دهد. پس از آن اتفاق، مسئولان فدراسیون والیبال، داستان جدیدتری را رو کرده و با تهدید عنوان کردند که اگر تا زمان برگزاری این مسابقات، آمریکا به تمام اعضای تیم ملی والیبال ایران ویزا ندهد، از اعزام تیم به آمریکا سر باز خواهند زد. این ادعایی بود که دبیر و رئیس فدراسیون والیبال ایران، بارها آن را مطرح کردند؛ ولی همان‌طور که می‌شد حدس زد، این تهدیدها هم پوچ از آب درآمد و تیم ملی والیبال با نفراتی ناقص راهی لس آنجلس شد. حالا فدراسیون فوتبال در گام نخست اعلام کرده، صادرشدن ویزای چهار نفر از فدراسیون فوتبال نیز افاقه نمی‌کند و باید ویزای تمام نفرات در خواست‌شده صادر شود تا کاروان ایران در مراسم قرعه‌کشی در تاریخ ۱۴ آذرماه شرکت کنند در غیر این صورت، ایران نماینده‌ای در مراسم قرعه‌کشی نخواهد داشت و عملاً صندلی ایران در این روز به‌خصوص مقابل دوربین‌های تلویزیونی خالی خواهد بود.

▼ سربازی در دسرساز

در حالت عادی، طبعاً سربازها اختیاری مبنی بر انتخاب محل سربازی یا حتی نهادی که باید زیر نظر آن به خدمت بروند را ندارند، اما از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ، سنگ اندازی و کارشکنی‌های بسیاری در زمینه صدور ویزا شکل گرفت و ورزشکاران بسیاری در این زمینه آذیت شدند و نتوانستند راهی آمریکا شوند. امین اسماعیل‌نژاد و آرمان صالحی، دو بازیکن شاخص تیم ملی والیبال ایران بودند که از همان روز نخست عنوان شد که آمریکا قصد صدور ویزا برای آنها را ندارد. محمدرضا داوورنی، رئیس فدراسیون والیبال، در آن برهه در گفت‌وگویی تلویزیونی گفت: «خودسفارت آمریکا فرآیندی دارد. در مشکلی که برای امین و آرمان صالحی و مسافری ایجاد کردند، گفتند مشکل خدمت سربازی دارند. امین، اسفندماه خدمت‌اش تمام شد و بحث، محل خدمت‌شان بود». امین محل خدمت، همان شایعه‌ای است که چندسالی در دسرساز شده و روی صدور ویزای آمریکا اثرگذار است. پیرامون عنوان شده بود که در قوانین جدید، آمریکا به ایرانی‌هایی که خدمت سربازی‌شان را در سپاه انجام داده‌اند، به‌سختی ویزا می‌دهد. برای بررسی بیشتر این موضوع کافی است تا پرونده شهرام هروی، سرمربی تیم ملی کاراته ایران که چندین ماه قبل از پرونده تیم ملی والیبال قصد داشت به‌همراه تیم ملی کاراته راهی بازی‌های جهانی در بیرمنگام آمریکا شود، زیر ذره‌بین برود. او به‌همراه دیگر اعضای تیم ملی کاراته، راهی سفارت آمریکا در ارمنستان شد ولی سفارت آمریکا در آن کشور پس از مشاهده کارت پایان خدمت سربازی سرمربی تیم ملی، حتی از دریافت مدارک هروی خودداری کرد و به او اعلام کردند، نمی‌توانیم برای شما کاری انجام دهیم. این موارد خبری بود که سایت فدراسیون به‌طور آشکار در آن برهه به آن اشاره کرد، ولی اسمی از محل خدمت هروی به میان نیامد.

▼ اقدامات حقوقی

برای بسیاری این سوال مطرح است که چه راهکاری از سوی نهاد ایرانی در قبال چنین تصمیم سیاسی می‌توان گرفت؟ پاسخ روشن است؛ هیچ اقدام عملی و حقوقی در این باره نمی‌توان اتخاذ کرد. البته چهارشنبه ظهر سیدمحمدشروبین اسبقیان، در حاشیه انتخابات فدراسیون سوارکاری در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «شخص وزیر امور خارجه در این رابطه پای کار است و مطمئن هستم که آن‌شاله این موضوع حل خواهد شد. امیدواریم که مشکلی به‌وجود نیاید و با تلاش‌های وزارت امور خارجه و وزیر، مشکل حل شود». فدراسیون والیبال نیز دو سال پیش بعد از صادر نشدن ویزای ورزشکاران ایرانی -بار دیگر در خواست ویزا کرد تا شاید روزه امید ایجاد شود، اما بازهم سفارت آمریکا اعلام کرد که صدور ویزا برای دو بازیکن مطرح شده، امکان بررسی بیشتر را گرفته است؛ چراکه سربازی‌شان مشکل دارد. البته مشکل از دید سفارت آمریکا است که این مسائل را وارد ورزش کرده است. با توجه به رخ دادن چنین موضوعی، حالا نگرانی‌ها برای صادر نشدن ویزای چند بازیکن تیم ملی ایران که درگیر سربازی هستند، از همین حالا شکل گرفته و باید دید طی هفت‌ماه آینده آرایشی مسئولان ایرانی می‌تواند گره‌گشا باشد یا خیر.

چهره

تهران شناس عالم

۲۶ سال پیش در چنین روزی، نویسنده و پژوهشگر برجسته تاریخ اجتماعی تهران که روایت‌هایی کم‌نظیر از او درباره زندگی مردم کوچه‌بازار پایتخت به‌جامانده است، درگذشت. «جعفر شهری» که متولد سال ۱۲۹۳ است، سواد و دانسته‌های خود را نه از مدرسه، بلکه از دل جامعه، در دکان‌ها، محله‌ها و از معاشرت با پیشه‌وران و مردم عادی آموخت؛ تجربه‌ای که بعدها پشتوانه اصلی آثارش شد. «تهران قدیم» و «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم»، دو اثر مهم اوست که مهم‌ترین منابع شناخت فرهنگ عامه و مشاغل منقرض شده پایتخت هستند. حتی بسیاری، این دو کتاب را دایرةالمعارف زندگی تهرانیان می‌دانند. کتاب‌های «آندو نمک»، «شکر تلخ»، «حاجی در فرنگ» و «انسیه خانم» از دیگر آثار اوست که هریک از آن‌ها گوشه‌ای از تاریخ و زبان مردم را ثبت کرده‌اند. نثر صمیمی و آمیخته به واژگان اصیل تهرانی، روایت بی‌پرده و دقت «جعفر شهری» در ثبت جزئیات، سبکی یگانه در تاریخ‌نگاری اجتماعی ایران پدید آورد که با گذشت چندین سال همچنان یکی از مهم‌ترین منابع شناخت هویت و فرهنگ تهران قدیم است. این پژوهشگر برجسته پس از عمری تلاش فرهنگی، در آذرماه ۱۳۷۸ درگذشت.

کتابخانه

بازآفرینی قدرت در ایران مدرن

کتاب «ملی‌سازی ایران» نوشته افشین مرعشی که نشر ققنوس به‌تازگی آن را چاپ کرده، روایتی عمیق و تحلیلی درباره دگرگونی مفهوم قدرت در ایران، از اواخر عصر قاجار تا برآمدن دولت مدرن در آغاز پادشاهی پهلوی است. همچنین نشان می‌دهد که چگونه مشروعیت سلطنت از تکیه بر مفاهیم قدسی به زبان ملی‌گرایی مدرن منتقل شد و معنایی تازه و دنیوی پیدا کرد. در این کتاب، سال‌های ۱۲۴۸ تا ۱۳۱۸، به‌مثابه دوره‌ای سرنوشت‌ساز معرفی می‌شود، زمانی که ساختارهای سنتی حکومت، جامعه و فرهنگ ایران در بستر تحولاتی نهادی و گفت‌وگویی آرام‌آرام به‌صورت بنیادیک دولت‌ملت نوین بدل شدند. همچنین در این اثر به دقت این موضوع بررسی می‌شود که چگونه دولت قاجار، با بهره‌گیری از الگوهای سلطنت اروپایی و استفاده خلاقانه از آیین‌ها، جشن‌ها و نمایش‌های شهری، چهره‌ای تازه از اقتدار عمومی ساخت. هم‌زمان، روشنفکران ایرانی هم با بازخوانی تاریخ باستان و بازسازی حافظه فرهنگی، تلاش کردند تا «اصالت ایرانی» را با خواست‌های مدرنیته پیوند دهند. نویسنده از خلال بررسی این روندهای موازی، نشان می‌دهد که چگونه در نهایت دولت مدرن، با مهندسی حافظه جمعی و سامان‌دهی نمادهای ملی، فرهنگی تازه پدید آورد.



کتاب: ملی‌سازی ایران
نویسنده: افشین مرعشی
مترجم: شهربانو صاری
انتشارات: ققنوس

تاریخ

عملیات «طریق القدس»



عملیات «طریق القدس»، عملیات تهاجمی نیروهای مسلح ایران در خلال جنگ ایران و عراق بود، که در آذرماه ۱۳۶۰ به‌مدت هشت‌روز - از ۸ تا ۱۵ آذرماه - در مناطق دشت آزادگان، بستان و سوسنگ

رد، در استان خوزستان انجام شد و در نهایت به آزادسازی بستان انجامید. این عملیات به‌طور مشترک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش، هواییروز و نیز جهادسازندگی علیه مواضع نیروهای ارتش عراق، طراحی و اجرا شد و در آن، نیروهای ایرانی و به‌طور مشخص نیروهای سپاه پاسداران و بسیج، برای نخستین‌بار از تاکتیک یورش موج انسانی، برای نفوذ به صفوف مستحکم نیروهای عراقی استفاده کردند. این عملیات «طریق القدس» با پیروزی قاطع نیروهای ایرانی همراه بود و با انجام آن، بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران از کنترل نیروهای عراقی خارج شد. در عملیات «طریق القدس»، ۲۸ گردان پیاده، ۷ گردان زرهی و ۸ گردان مکانیزه از نیروهای ایرانی، در مقابل ۲۴ گردان پیاده، ۱۳ گردان زرهی، ۷ گردان مکانیزه، ۴ گردان گارد ریاست جمهوری و ۱۳ گردان کماندویی از نیروهای عراقی، قرار گرفتند.